

برخی از پدر و مادرها چنین می‌پندارند که عاشق فرزندانشان هستند؛ باید توجه داشت که وجود ارتباطات مبتنی بر عشق ورزی برای پرورش فرزند ضرورت دارد؛ در عین حال فراموش نمی‌کنیم که احتمال دارد تمایلات عاشقانه بر اثر بینشهای تنگ نظری و تفکرات ساده انگاری، دچار انحراف شده و به وابستگی تبدیل شود که نوعی بیماری است و با عشق ورزی فرق اساسی دارد. عشق عین سلامت است در صورتیکه در روانشناسی از وابستگی به عنوان بیماری روانی یاد می‌شود. شاخصهای عشق و وابستگی متفاوتند. برای مثال: در عشق مریبی عاشق به روند دگرگونی در یادگیری توجه می‌کند در صورتیکه مریبی وابسته تنها تغییرات رفتاری یادگیرنده را در نظر دارد. همچنین باید در نظر داشت که عشق بر تلاش تولیدی فرد عاشق می‌افزاید و او را در ارائه خدمت به مردم تشنه تر می‌سازد؛ در صورتیکه "وابستگی" با رخوت شناسایی می‌شود؛ عشق اشتیاق مراودات اجتماعی را افزایش می‌دهد در صورتیکه فرد وابسته جز اشتیاق حضور معشوق، از جامعه گریزان است. عاشقان بیشتر به منش و انتخاب فکری معشوق توجه دارند در صورتیکه وابستگان در دام زیباییهای جسمانی گرفتار می‌آیند. عاشقان به حضور فیزیکی معشوق کمتر نیاز دارند و می‌توانند دوری از او را به خلاقیت تبدیل کنند در صورتیکه وابستگان در نبود حضور فیزیکی معشوق افسرده می‌شوند. (برگرفته از بیانی، احمد. شناخت مسائل روانشناسی)